



سرکرده عرفان حلقه یک بیمار معنوی است/ برگزاری غیرقانونی کلاسهای عرفان حلقه

یک کارشناس عرفانهای کاذب با بیان اینکه خاصیت عرفان حلقه و آموزش های سرکرده آن ایجاد نوعی تعصب، خصومت و کینه توزی شدید بوده گفت: به طوری که هیچ سخنی غیر مطالب ...

کارشناس عرفان در گفتگو با مهر:

سرکرده عرفان حلقه یک بیمار معنوی است/ برگزاری غیرقانونی کلاسهای عرفان حلقه
یک کارشناس عرفانهای کاذب با بیان اینکه خاصیت عرفان حلقه و آموزش های سرکرده آن ایجاد نوعی تعصب، خصومت و کینه توزی شدید بوده گفت: به طوری که هیچ سخنی غیر مطالب سرکرده آن "طاهری" را نمی پذیرند و هر منتقدی را متعلق به شبکه منفی می دانند. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام مظاهری سیف کارشناس عرفانهای کاذب در گفتگو با خبرگزاری مهر به بررسی عرفان حلقه پرداخت که از نظر می گذرد.

فربخوردگان عرفان حلقه از چه ویژگی هایی برخوردارند؟ آیا می توان آنها را به طیف های مختلف تقسیم کرد؟

برداشت اولیه ما این بود که پیروان عرفان حلقه دو گروه اند و همه آنها این طور نیستند که اهل اهانت و تهدید و رویکردهای غیر منطقی و غیر اخلاقی باشند. زیرا سال ها بود که از سوی آنها چنین برخوردهایی را می دیدیم. تصور ما این بود که در این میان عده ای هستند که دنبال معنویت و حقیقت اند اما راه روشن نبوده و یا ما طلبه ها و اساتید رشته های معارف و الهیات در دانشگاه کم کاری کرده ایم.

وظیفه ما بود فضایی برای ارتباط با حقیقت جویانی که گرفتار حلقه شده اند ایجاد کنیم. طبیعی است که اهل تحقیق و معنویت جویانی که به دام حلقه افتاده اند، نمی آیند منتقدان را تهدید کنند یا ایمیل ها و تماس های اهانت آمیز و تهدید آمیز ارسال کنند. از این رو برنامه ریزی کردیم تا از نزدیک با آنها گفتگو کنیم.

جلسات بحث آغاز شد، از آنها دعوت کردیم، خبر زدیم بیش از یک سال و نیم، گاهی یک نفر، دونه می آمدند، می دیدیم در همان جلسات هم رویکردها معقول نیست. با دوستان مشورت کردیم، به این نتیجه رسیدیم، که صبر کنیم و بگذاریم فضاسازی هایی که شخص آقای طاهری علیه منتقدان داشته اند، فروکش کند، تا به آرامش برسند و بتوانیم با هم گفتگو کنیم. اما در نهایت دیدیم که خاصیت عرفان حلقه و آموزش های سرکرده آن "طاهریگ" ایجاد نوعی تعصب، خصومت و کینه توزی شدید بوده است. به طوری که هیچ سخنی غیر مطالب "طاهری" را نمی پذیرند و هر منتقدی را متعلق به شبکه منفی می دانند. بنابراین تجربه ما تاکنون نشان می دهد که تصور اولیه ما غلط بوده و غیر از تعدادی انگشت شمار تا کنون به کسی در عرفان حلقه بر نخوردیم که این تعصبات را نداشته باشد و حاضر به آزاداندیشی و تحقیق و گفتگو باشد.

تاکنون اقداماتی در خصوص آگاهی رسانی و روشن سازی هواداران عرفان حلقه صورت گرفته است؟

واقعیت این است که در سه سال گذشته بنده و دوستان در موسسه بهداشت معنوی خیلی برای این کار تلاش کردیم. حتی بخش زیادی از تحقیقات شخصی و برنامه های خود را تعطیل کردم تا به این موضوع سامانی داده شود. دوستان زیادی از دانش پژوهان و محققان موسسه بهداشت معنوی هم به ما کمک کردند. اما نتیجه اش افزایش اهانت ها و تهدیدات بود. ما از ظرفیت های زیادی استفاده کردیم. نوشتن مقاله، برگزاری جلسات آگاهی بخشی، پرسش و پاسخ، بحث آزاد، مناظره، نوشتن کتاب، برگزاری نمایشگاه های آزاد که کارشناسان در آنجا بودند و گفتگو می کردند. حتی گفتگو با خود آقای طاهری و سایر سرکردگان این گروه، اما متأسفانه خستگی این سه سال برتن ما ماند و "از قضا سرکنگبین صفرافزود".

آیا در برگزاری مناظرات و نشست ها با مشکلاتی نیز مواجه بوده اید؟

مشکلات که زیاد بود. شما ملاحظه بفرمایید، یک گروهی آمده اند، که به طور گروهی قانون شکنی کرده و جرایمی را مرتکب شده اند. از جمله مجوز موسسات مردم نهاد در ابتدا برای یک سال صادر می شود و بعد بر اساس عملکرد تمدید می شود. موسسه عرفان حلقه تمدید نشده و فعالیت هایش پس از سال اول 1384 بدون مجوز و نظارت سازمان های قانونی بوده است. حالا این ها آمده اند آموزش داده اند در حالی که یک موسسه برای اینکه فعالیت آموزشی داشته باشد باید از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم مجوز بگیرد. اگر مجوز اولیه موسسه عرفان حلقه هم تمدید شده بود به عنوان یک موسسه ثبت شده در سازمان ملی جوانان وقت، باز فعالیت های آنها غیر قانونی بود. موضوع دخالت در امور پزشکی مشکل دیگری است که به طور

گروهی تحت عنوان فرادرمانی انجام شده است.

از همه بدتر پس از اعلام رسمی غیرقانونی بودن فعالیت های موسسه عرفان حلقه از طریق رسانه ها اعضای این مجموعه به صورت مخفی و زیرزمینی به ادامه فعالیت ها پرداخته اند. در کنار این موارد جرایم دیگری مثل جعل اسناد دانشگاه علوم پزشکی، کسب مال نامشروع از کلاس های مخفی و غیره هم در شمار جرایم اعضای این گروه هست. اهانت به مقدسات را هم فراموش نکنیم خود "طاهری" و بسیاری از "مستر" ها این مشکل را هم دارند. البته در کشور ما کمتر به این مسائل توجه می شود و بیشتر به جرایمی که زیان مادی برای مردم دارد، توجه دارند.

حالا ما آمدیم و گفتیم که می خواهیم با آنها مذاکره و مناظره کنیم. به آنها فرصت بدهیم تا حرف هایشان را بزنند. طبیعی است که این کار خیلی زحمت دارد. ما آمدیم و از یک گروه مجرم که رئیس شان هم در زندان بود، حمایت کردیم تا علنی نظراتشان را بگویند. چون معتقد بودیم در میان آنها افراد بی غرضی هم هستند که به خاطر جوسازی های طاهری و سایر افراد اصلی عرفان حلقه علیه قوانین کشور و نهادهای علمی حاضر شده اند کار غیرقانونی انجام دهند و اگر حقایق را ببینند، از قانون شکنی دست خواهند برداشت. این کار ما رسماً حمایت از یک گروه غیرقانونی و قانون شکن بود و تنها امید و توجیه ما برای این کار احتمال وجود افرادی بود که تحت تأثیر جوسازی های درون گروهی هستند و کارهای نادرست خودشان را درست می پندارند. واقعاً خیلی سخت بود و ما آبرو و اعتبار زیادی را خرج کردیم، تا این مناظره ها راه بیافتد و ادامه پیدا کند.

ولی متأسفانه استقبال خوبی نشد. تعداد کمی می آمدند و آنها هم به جای ورود به مناظره و پاسخ به مسائل، به تکرار طوطی وار مطالب عرفان حلقه می پرداختند و جسارت به حدی شده بود که می گفتند شما باید بنشینید ما یک دوره عرفان حلقه به شما تدریس کنیم.

عرفان حلقه یک نوع غرور و خودبزرگ بینی عجیبی را در افراد ایجاد می کند. با اینکه در آموزه های شان توصیه می کنند که خودشیفته نباشید، اما دقیقاً برعکس نتیجه می دهد. در جلساتی که با آنها داشته ایم اساتید حوزه و دانشگاه که تحقیقات ارزشمندی در باب عرفان و فلسفه داشته اند و خودشان اهل تهذیب نفس هستند، حضور پیدا می کردند ولی شما می دیدید، که یک شخصی می آمد و ادعا می کرد که باید به آنها تدریس کند، در حالیکه مفاهیم اولیه عرفان مثل وحدت وجود و شهود و غیره به معنای درستی در این مکتب به کار گرفته نمی شود و بلکه خودشان در جاهای مختلف معانی متفاوتی را برای آن استفاده می کنند، که به نظر می رسد این کاربردهای مختلف آگاهانه نیست و از روی ناآگاهی است.

خلاصه اینکه جلسات مناظره تبدیل می شد به میتینگ های عرفان حلقه، معمولاً پاسخی به اشکالات نمی دادند و می رفتند سراغ دفاع از طاهری که چرا آزاد اندیشی نیست. یا شروع می کردند به تکرار مطالب دوره ها بدون توجه به اشکالات مطرح شده و یا اینکه تجربه های شخصی را می گفتند.

متأسفانه در بعضی از جلسات افرادی می آمدند تجربه شخصی می گفتند که ما چقدر خوب شده ایم در همان جلسه یا جلسه بعد همسر او یا دوست او می آمد و می گفت این گزارش ها مطابق واقع نیست و برعکس آن درست است. به هر حال خیلی وقت ها مناظره، مناظره نبود و به مقاله خوانی یا میتینگ هایی برای عرفان حلقه تبدیل می شود.

اینها برای ما مشکل بود چون عملاً فضای مناظره به یک اقدام غیر قانونی تبدیل می شد. ما مجوز برگزاری جلسات آزاداندیشی و مناظره داریم نه میتینگ برای گروه های غیرقانونی. ما با بردباری همه این وضعیت هایی که حلقه ای ها در جلسات به وجود می آوردند، تحمل می کردیم، اما می دیدیم همین کسانی که می آیند در جلسات ما گاهی هم صحبت می کنند، می روند بیرون و بازهم جلسات غیرقانونی و مخفی برگزار می کنند. وقتی مأموران قانون از آنها جلو گیری می کردند، هجمه اهانت ها به سوی ما جاری می شد. انتظار داشتند وقتی در جلسات مناظره می آیند مصونیت قضایی داشته باشند و هر خلاف و قانون شکنی انجام دادند، کسی به آنها تذکر ندهد. معمولاً هم این طور بود یکی دو هفته بازداشت می شدند بعد با یک تعهد کتبی می آمدند بیرون و کارهای قلبی را از سر می گرفتند. این شرایطی که حلقه ای ها به وجود می آوردند روز به روز کار ما را مشکل تر می کرد، به این علت که می دیدیم از هدف دور می شویم، هیچ چشم انداز مثبتی به عملکرد آنها نمی دیدیم، هر امید و خوش بینی که در ابتدا داشتیم با کار های غیرقانونی و عدم توجه به ماهیت جلسات مناظره از بین می رفت.

استقبال هواداران عرفان حلقه از فضای بوجود آمده چگونه بوده است؟

استقبال آنها از جلسات مناظره خیلی کم بود، آنها ترجیح می دهند در جلسات تک صدایی که فقط خودشان گوینده هستند، حاضر شوند. حتی در جلسات مناظره هم می خواستند، استاد باشند و بقیه شاگرد و شنونده. بسیاری موارد افرادی در یک جلسه می آمدند و دیگر نمی آمدند، چون حاضر به این نبودند که کسی غیر از خودشان سخن بگوید؛ در حالی که فضای جلسات

تضارب آرا و چند صدایی بود. آنها ناگزیر بودند که نیمی از جلسه به نقدهای عرفان حلقه گوش کنند و آمادگی این کار را نداشتند.

واقعیت این بود کسانی هم که جلسات را می‌آمدند و انگشت شمار بودند گویا به نقدها گوش نمی‌دادند، زیرا پاسخی به نقدها داده نمی‌شد و در زمانی که به آنها اختصاص می‌یافت، سخنانشان شبیه بیانیه و نطقهای تبلیغاتی بود. یعنی آن تعداد کم هم که می‌آمدند، حضورشان استقبال از مناظره و آزاد اندیشی و نقد و بررسی نبود، برای تبلیغات خودشان در جلسات حاضر می‌شدند و در حاشیه جلسات شرکت کنندگان را دعوت می‌کردند تا تسلیم شوند و آنها حلقه تفویض کنند. ما بعد از جلسات شاهد این بساطی های حلقه ای بودیم که دنبال کسی می‌گشتند تا به او حلقه تفویض کنند.

چه عواملی باعث می‌شود طرفداران عرفان حلقه از هرگونه مناظره و مشارکت در بحث‌های آزاد گریزان بوده و حتی افراد شرکت کننده در این مناظرات را مورد فشار قرار دهند؟

در عرفان حلقه ذهن افراد کاملاً بسته می‌شود. مطالبی از دانش‌های گوناگون در ذهن فرد سرازیر می‌شود، بدون تعریف مبانی و روش شناسی. اصطلاحاتی که با کاربرد غیردقیق و هر بار به یک معنا استفاده می‌شود، موجب بسته شدن جریان ادراک ذهنی می‌گردد. آنها دیگر نمی‌توانند فکر کنند، فقط می‌شنوند. این طور القا می‌شود که "طاهری" اینها را با الهام دریافت کرده و باید روی پله عشق بفهمید، نه روی پله عقل. این هم سدی دیگر بر تفکر است.

هر کس سوال یا نقدی داشته باشد معمولاً در دوره ها پاسخش را نمی دهند و می‌گویند: دوره بعد روشن می‌شود و در دوره بعد می‌گویند دوره بعد و همین طور دور ادامه پیدا می‌کند. افراد عادت می‌کنند، که تسلیم و شنونده باشند، نه پرسشگر و محقق و اندیشمند.

عرفان حلقه با تسلیم شروع می‌شود، اصل آن حلقه‌هایی است که تفویض می‌گردد. تفویض یعنی تو پذیرا باش و دیگری در تو اثر می‌گذارد این اثرپذیری و خنثی شدن و خالی شدن ذهن و درون افراد ماهیت اصلی عرفان حلقه است. تسلیم یکی از مفاهیم اصلی عرفان حلقه است. تسلیم یعنی تماشاچی منفعلی که می‌بیند چه اتفاقی می‌افتد و با او چه می‌کنند و در برابر آن تسلیم و پذیراست. شرط تسلیم این است که ذهن و فکر و اندیشه را کنار بگذاری و فقط ببینی و بپذیری.

هرکس بخواهد فکر کند، بپرسد، اشکالی مطرح کند، برچسب های آماده ای وجود دارد که به او می‌زنند، مثل سوپردانا، عضو شبکه منفی، روی پله عقل و ناتوان از درک عشق و عرفان، معاند، بدخواه، دارای قفل ذهنی و....

این عوامل شرایطی را به وجود می‌آورد که افراد نتوانند در یک فضای آزاد فکری و علمی حاضر شوند، چیزی برای گفتن در این فضاها ندارند. دگراندیشی یک ذهن باز و پرسشگر می‌خواهد. آنها از اول جلوی این پرسش گری را می‌گیرند و می‌گویند بشر به بحران سوال رسیده است و سوالاتش تمامی ندارد، باید راه دیگری رفت، بجای سوالات بی پایان، اتصال دریافت کنید. برای همین حلقه ای ها پاسخ گوی افکار و رفتارهای خود نیستند، زیرا با پرسش و پاسخ سروکاری نداشته اند و کارشان با تسلیم و اتصال ادعایی است. خودشان تسلیم شده اند و انتظار دارند که دیگران هم در برخورد با آنها تسلیم باشند، نه محقق و اندیشمند.

رفتار با این فرقه باید به چه صورتی باشد و آینده این فرقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم اگر مسأله طاهری و افراد اصلی این جریان حل شود، پیروان هم مشکل شان برطرف خواهد شد. طاهری یک بیمار معنوی است. حق می‌دهم به آسیب دیدگان عرفان حلقه که بخواهند ایشان مجازات شود و تخلفات طاهری هم باید رسیدگی شود. اما بیمار معنوی بودن او مقدم بر همه اینها است. او باید در یک مرکز درمان معنوی باشد و مورد مراقبت و حمایت قرار بگیرد. خلاءهای درونی و اضطراب هایش درمان شود و به یک آرامش و استقرار فکری برسد. آنگاه به جرایمش رسیدگی شود.

همچنین نباید همه مسئولیت عرفان حلقه را به دوش طاهری انداخت. چرا که افراد دیگری نیز هستند که نقش مهمی در انتشار اساسنامه این گروهک داشته‌اند و کسی کاری به آنها ندارد و همه مسئولیت‌ها متوجه طاهری است.

پیش از محکومیت طاهری با ایشان ملاقات داشتم و به لحاظ سلامت معنوی وضعیتش را و خیم ارزیابی می‌کنم، بیمار معنوی‌ست و نیاز به درمان دارد. آنچه مسلم است کسی که اساسنامه عرفان حلقه را تدوین کرده یا یک شیاد است و یا یک بیمار معنوی و خیم در هر دو صورت بهتر است که به وضع ایشان رسیدگی شود. ما به عنوان روحانی در برابر سلامت معنوی جامعه احساس مسئولیت می‌کنیم. الان مسترهایی را می‌بینید که مشغول برگزاری کلاس‌های غیر قانونی هستند.

یکی از راه‌های درمانی بیماری‌های معنوی بحث آزاد و گفتگو است. شخص در مواجهه با بیان افکارش و شنیده‌شدن آن از سوی کارشناسان معنوی و فنونی که در این روش وجود دارد، با واقعیت‌های معنوی روبرو می‌شود، خودش را پیدا می‌کند و افکارش را عمیق‌تر به اندیشه می‌گیرد. این به درمان شخص کمک می‌کند. باید به آنها فرصت فکر کردن داد و فضای درونی ذهن شان را باز کرد تا از تخیلات و اوهام کاذب کمی فاصله بگیرند و حقایق برایشان روشن شود و گرنه دیگران را هم مبتلا می‌کنند.